

امنیت ملی

در جمهوری اسلامی ایران

تعریف مشخص از امنیت و ترسیم مرزهای مفهومی امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، این امر بدون در نظر گرفتن آموزه‌های دینی و فرهنگ بومی امکان‌پذیر نیست. به عبارت دیگر، باید ضمن نگرش مجدد به میراث اسلامی، روایت نوینی از مفهوم و مؤلفه‌های امنیت تدارک نمود. و فراتر از آن، تبیین مرزهای متداخل مفهومی امنیت ملی با سایر مفاهیم، شناسایی امکانات و محدودیت‌های محیطی و دست‌یابی به زمینه‌های نظری و عملی امنیت ملی کارآمد و مطلوب باید در ردیف نیازهای اولیه کشور محسوب شود. در حال حاضر که ایران اسلامی دوران بسیار حساس توسعه سیاسی و اقتصادی را سپری می‌کند و بازتاب انقلاب عظیم آن، چالش‌های فکری و نظری گسترده‌ای را در عرصه اندیشه، مفهوم‌سازی و نظریه‌پردازی در حوزه‌های علوم اجتماعی و سیاسی داشته است، شایسته است مفهوم امنیت و نحوه ارتباط آن با مفاهیمی؛ مانند: عدالت، آزادی، مشارکت سیاسی و نظایر آن، بر اساس فرهنگ غنی اسلامی مطالعه گردد. هر چند در این زمینه تحقیقات ارزشمندی انجام

گرفته است؛ اما همچنان مطالعات حوزه مفهومی امنیت ملی نا کافی به نظر می رسد و نیازمند تحقیقات گسترده می باشد. تاکید مقام معظم رهبری برای وحدت ملی و امنیت ملی به عنوان بزرگ ترین شعار سال جاری، فرصت مناسبی برای بسیج امکانات ملی در پرداختن به این امر حیاتی می باشد. اگر چه درباره ضعف مفهومی امنیت ملی به ویژه در جمهوری اسلامی ایران عوامل متعددی را می توان مطرح نمود که تبیین آنها، نیازمند مطالعه و بررسی همه جانبه ای می باشد؛ اما به صورت خلاصه می توان سه مورد را مورد اشاره قرار داد:

الف - ابهام و گستردگی مفهوم امنیت ملی

مفهوم نوین امنیت ملی، در مقایسه با مفهوم کلاسیک و سنتی آن، از گستردگی مفهومی فزاینده ای برخوردار شده است. اگر در مفهوم کلاسیک امنیت ملی، حفظ مرزهای کشور از مداخلات نیروهای خارجی مد نظر بود و امنیت بیش تر از طریق فقدان آن تعریف می شد. در حال حاضر، امنیت ملی صرفاً قلمرو نظامی را در بر نمی گیرد؛ بلکه تمام قلمروهای سیاسی، اقتصادی، تجاری، فرهنگی، اجتماعی و... را نیز شامل می شود. این امر باعث افزایش متغیرهای دخیل در امنیت ملی و پیچیدگی هر چه بیش تر آن گردیده است؛ به گونه ای که فهم آن را تا حد زیادی در ارتباط با شناخت مفاهیم متعدد در حوزه های دیگر میسر ساخته است.

ب - ضعف مفهومی در مفاهیم دیگر

از آن جایی که مقوله امنیت ملی در ارتباط با مفاهیمی، مانند: عدالت، آزادی و مشارکت سیاسی و نظایر آن معنا می یابد، اثرات ضعف مفهومی این مفاهیم می تواند در شناخت مرزهای مفهومی امنیت ملی نیز ظاهر شود. برای نمونه، در جمهوری اسلامی ایران، مرزهای مفهومی امنیت ملی با مفاهیم توسعه سیاسی و آزادی های مدنی به صورت مشخص و روشن تعریف نشده است. این امر باعث گردیده است تا در برخی موارد، توسعه سیاسی، مانع تحقق امنیت ملی قلمداد شده و یا تلاش برای حفظ نظم و

امنیت، عامل محدودکننده توسعه سیاسی، بشمار آید. در این صورت، برقراری هر نوع رابطه میان این مفاهیم مستلزم مطالعه امکانات و محدودیت‌های مفهومی آن‌ها و رفع ابهامات موجود در حد امکان می‌باشد.

ج- ادراکی و ذهنی بودن امنیت ملی

گرچه زمینه‌های عینی امنیت ملی، قابل شناسایی است؛ اما همواره در برگیرنده عنصر احساسی، ذهنی و ادراکی نیز می‌باشد این حالت غالباً تحت تأثیر تجارب و سوابق زندگی فردی و یا گروهی انسان‌ها شکل می‌گیرد. این ویژگی که خود تا حدی باعث سنجش ناپذیری، نسبی بودن و سیال بودن مرزهای مفهومی امنیت ملی نیز گردیده است، احتمالاً مهم‌ترین عامل محدودیت در مفهوم سازی آن هم می‌باشد.

در ورای مطالب فوق، شاید بحث از چگونگی تأمین امنیت، ضمانت اجرا و بهایی که باید برای آن پرداخت، خالی از فایده نباشد. و از آن جایی که مهم‌ترین نهاد تأمین‌کننده امنیت ملی، دولت‌ها بوده‌اند؛ تبیین رابطه سیاست و امنیت نیز اهمیت می‌یابد. چگونگی این رابطه، در نظام‌های سیاسی متفاوت می‌باشد. در یک نظام اسلامی که مبتنی بر مشارکت مردمی است، همواره پیوند عمیقی بین منافع و امنیت حکومت با ملت وجود دارد و دولت در راستای تحقق اهداف امنیت ملی، در سطوح فردی و اجتماعی ایفای نقش می‌نماید در نظام جمهوری اسلامی ایران که بر اساس ارزش‌ها و موازین اسلامی شکل گرفته است، نه تنها باید در جهت پیوستگی منافع امنیتی دولت و ملت گام برداشت؛ بلکه امنیت ملی مطلوب در گروه وفاق ملی و نهادینه شدن الگوهای مشارکتی متقابل می‌باشد. امید است در ایران اسلامی، شاهد تحقق هر چه بیش‌تر امنیت و توسعه در ابعاد مختلف آن باشیم.